

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۸۱

جمعه ۱۶ آبان ۱۳۹۳، ۷ نوامبر ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

زن ستیزی و صنعت اسلامی غارت و چپاول!

اندر خصوصیات روانی عاملین و آمرین
اسیدپاشی!

حرمت محرم، بی حرمتی زندگی!

صفحه ۹

کمونیسم معاصر و تبلیغات امروزی بورژوازی علیه آن (۱)

گفتگوی محمود احمدی با علی جوادی

صفحه ۵

کسری بودجه دولت و حمله به معیشت مردم

شهلا دانشفر

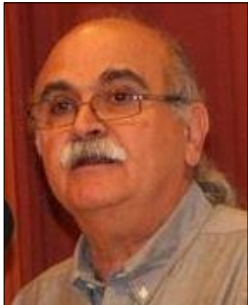
صفحه ۷

حمایت اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل، معدن و انرژی سیدنی از کارگران زندانی در ایران

صفحه ۸

کمونیسم امروز و مضمون ضد کاپیتالیستی اعتراضات اجتماعی

متن سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در کنگره نهم حزب



است. حالا میخواهند تحریفش کنند و میخواهند به شکستش بکشانند و میخواهند مسخش کنند، ولی اگر بورژوازی را به حال خودش رها میکردید قذافی و مبارک و بن علی و غیره هنوز در مسند قدرت بودند، کسی با اینها دعوائی نداشت، قرار نبود تغییری در این منطقه رخ بدهد. مردم به بیسابقه ترین نحو وارد تاریخ شدند و آن غول خفته ای که منصور حکمت در نوشته دنیا بعد از یازده سپتامبر از آن یاد میکند، بیدار شد و دنیا را تکان داد، و هنوز اینها از تاثراتش و از تبعاتش و از نتایجش نمیتوانند خودشان را خلاص کنند، این انقلابات کل بورژوازی را دچار بحران عمیقی کرد، مساله هم فقط به خاورمیانه محدود نمیشود. استراتژیستهایشان نمیتوانند کجا دارند میروند، هیچوقت دولت آمریکا اینقدر مستاصل و اینقدر تدافعی نبوده است، الان به نظر میرسد اردوغان حاکم دنیا است و نه آقای اوباما! لا اقل در خاورمیانه! به نظر میرسد اگر حرف عربستان سعودی را کسی گوش نکند امرش نمیگذرد! عربستان سعودی که همیشه حکومتی بود در جیب کوچک آمریکا!

ما در مورد اوضاع خاورمیانه قطعنامه ای داریم و در مورد تاثیر انقلابات منطقه و درباره تاثیر بحران سیاسی-اقتصادی و ایدئولوژیک سیاسی بورژوازی بر اوضاع جاری

صفحه ۲

تحمل نیست چون همه چیز به هم خواهد ریخت، نظم موجود را نمیتوانند حفظ کنند و خودشان دارند اعتراف میکنند که نمیتوانند، کتاب آقای توماس پیکتی - سرمایه در قرن ۲۱ - که پرفروش میشود و نویسندۀ اش به مارکس دوره ما ملقب میشود، نکته اصلی اش چیزی جز این نیست که روند سرمایه داری طوری است که شکاف بین فقر و ثروت هر چه بیشتر و بیشتر خواهد شد و اگر چاره ای نیاندیشیم این نظم تماما فرومیریزد، این تازه حرف آکادمیسنها و متفکرین و رسانه ها و حتی دولتها و مقامات رسمی طبقه حاکمه است.

به خیابان که نگاه میکنید می بینید دنیا دارد میجوشد، سه سال پیش - سال ۲۰۱۱ - یکی از انقلابی ترین سالهای دو قرن اخیر است، در این سال سه دیکتاتور بتون آورمه ظاهرا غیر قابل تکان دادن، در خاورمیانه بقدرت مردم سرنگون شدند، این تحول را مردم در سیر تاریخ دنیا وارد کردند و هنوز داریم پیامدهایش را می بینیم، بله انقلاب مصر آمد و رفت و بهار عرب تمام شد، این را همه دم گرفته اند ولی - همانطور که بارها گفته ام - هیچ انقلابی حتی انقلابات شکست خورده نمی آیند و بروند و هیچ اثری از آنها باقی نماند، سیر تاریخ و روند تاریخ را عوض میکنند، علیرغم خواست حاکمین و علیرغم خواست دولتها روند تاریخ را عوض میکنند، و انقلابات بهار عرب این کار را کرد، الان خاورمیانه امروز را فقط تحت الشعاع انقلابات منطقه میتوانید بررسی کنید، مثبت و یامنفی، تاثیر آنهاست، این را مردم در دستور تاریخ گذاشتند، انقلاب مصر را توده مردم مصر در دستور تاریخ گذاشت و تحولات و پیامدهای و شرایط امروز، حکم مردم مصر

من هم به سهم خودم به همه شما خوش آمد میگویی.

به نظر من اهمیت این کنگره و نقشی که میتواند داشته باشد و امیدواریم داشته باشد صرفا در رابطه با نقش حزب نیست، حتی حزب در جامعه ایران و یا مثلا وضعیت سیاسی امروز در منطقه و نقشی که حزب میتواند ایفا کند، من فکر میکنم این کنگره وقتی موفق است که بتواند يك مساله اساسی دوره ما را جواب بدهد و اگر شما به اسناد و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره رجوع کنید متوجه میشوید تلاشش در این جهت است، آن مساله اساسی چیست؟ من در افتتاحیه میخواهم در این مورد توضیح بدهم.

وقتی امروز وضعیت سیاسی دنیا را - در هر جا، غرب، شرق، خاورمیانه، آفریقا و غیره - مد نظر قرار میدهید متوجه ظاهرا يك تناقض و پارادوکسی میشوید، وقتی به اصطلاح در يك مقیاس کلان و علی العموم میخواهید ببینید دنیا به چه سمتی میرود یا روندهای اصلی کدامست متوجه يك تناقض میشوید، از يك طرف مشاهده میکنید که دنیا در سطح وسیعی معترض است، مردم چه در شرق و چه در غرب این وضعیت را نمی پذیرند، و وضعیت طوری شده که نه تنها توده کارگر و مردم عادی و بقل جنبش اشغال نود و نه درصدی ها، بلکه خود يك درصدها، خود مالیاتی میلیاردرها میگویند این وضعیت قابل ادامه نیست، در سمینارهایشان میگویند، در گردهمائی های جهانیان میگویند، در کتابهایشان میگویند، در رسانه های رسمی این را پخش میکنند که هیچوقت دنیا چنین تفاوت فاحشی بین فقر و ثروت بخود ندیده بوده است و وضعیت حاضر قابل ادامه نیست، این وضعیت از دید طبقه سرمایه دار قابل

کمونیسم امروز و مضمون ضد کاپیتالیستی اعتراضات اجتماعی



تاریخ نویسی در صد سال بعد - به این نتیجه خواهد رسید که با این وضعیت سرمایه داری دنیا انتظار و توقع اینست که نیروهای رادیکال و چپ، کمونیستها و سوسیالیستها همه جا محبوب باشند و یک نیروی توده ای باشند و جلوی صف باشند. و اگر به قسمت دوم بحث توجه کند این نتیجه را خواهد گرفت که سرمایه داری محکم سر جایش نشسته است و مشکل و بحرانی ندارد. این دوجنبه به هم نمیخورند و با هم چفت نمیشوند. این یک پارادوکس به نظر میرسد.

بحث من اینست که نه تنها پارادوکسی در کار نیست بلکه این شرایط کاملاً قابل توضیح است. اگر شما جنبش اسلامی یا جریانات اسلامی نه تنها از نوع داعش بلکه از نوع حماس و حزب الله و طالبان و جمهوری اسلامی و القاعده و غیره را بگذارید در طرف مردم آنوقت این تناقض پیش می آید. خواهید گفت مردمی که از سرمایه داری به فغان آمده اند چرا میروند دنبال داعش؟ اگر

تنها در سطح یک کشور بلکه در یک مقیاس جهانی وجود دارد. این یک جنبه واقعیت است. یک جنبه دیگر که داعش مظهر و نمود آنست اینست که وحشی ترین و ارتجاعی ترین و عقب مانده ترین نیروها سر بلند کرده اند. لااقل در منطقه خاورمیانه که آزمایشگاه نظم نوین بود و چهارراه حوادث تاریخی در چند دهه اخیر بوده است، می بینید عقب مانده ترین نیرو - حتی با معیارهای جنبش سلام سیاسی عقب مانده ترین - بجلو رانده شده است و دارد میزند و میکشد و منطقه میگیرد و ظاهراً کسی هم جلودارش نیست. در نگاه اول این یک تناقض به نظر میرسد. چرا اینطور است؟ چرا از یک طرف خود سرمایه داری میگوید مستاصل است و بخودش هشدار میدهد و استراتژی و افقش را از دست داده است و از طرف دیگر بجای اینکه چپ در این شرایط عروج کند راست ترین نیروها میداندار شده اند؟ این یک تناقض به نظر میرسد. اگر کسی تنها بخش اول بحث مرا بشنود - مثلاً یک

خاورمیانه صحبت خواهیم کرد. اینجا بیشتر به این بحث نمیپردازم. ولی میخواهم توجهتان را به این واقعیت جلب کنم که چه از دید حرکت توده های مردم - که در غرب خودش را در شکل جنبش اشغال نشان داد و در شرق بصورت انقلابات و هنوز هم پیامدهای آن ادامه دارد - و چه از نقطه نظر آکادمیسینها و صاحب نظران و تئوری پردازان و حتی مقامات و دولتها و رسانه های رسمی وضعیت حاضر قابل ادامه نیست. این هشدار طبقه حاکم به خودش است که دنیا از دستان در خواهد رفت و نمیتوانیم کنترل کنیم. این دره عظیم بین فقر و ثروت قابل ادامه نیست و باید فکری کرد. نه تنها توده مردم که با هزار زبان و حرکت اعتراضی اعلام کرده اند وضع موجود را نمیپذیرند بلکه خود طبقه حاکم هم میگوید این وضع را نمیتوانم ادامه بدهم. این همان شرایطی است که بقول لنین بالائی ها نمیتوانند حکومت کنند و پائینی ها نمیتوانند تحمل کنند. این شرایط امروز نه

امروز ادامه خطی طالبان و القاعده و جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله نیست. اسلام سیاسی امروز ابزاری است در دست بورژوازی منطقه که با شکست استراتژی نظامی و نظم نوین آمریکا ایجاد شده است، میدانی پیدا کرده است برای مانور و برای قدرت نمایی. هر کس با ادعای کرسی سردمداری خاورمیانه بمیدان آمده است. اسلام سیاسی امروز درونی شده است. امروز ما با جنگ داخلی اسلام سیاسی مواجه هستیم. روشن است که نیروهای درگیر در این جنگ ساخته و پرداخته دوره های قبلی هستند. این نکات را در بحث حول قطعنامه دیگری بیشتر توضیح خواهم داد. اینجا فقط میخواهم تاکید کنم که اگر شما جنبش اسلام سیاسی، از داعش تا جمهوری اسلامی و بقیه را، در کمپ سرمایه یعنی جایی که واقعا هست قرار بدهید آنوقت متوجه میشوید که نه تنها تناقضی در کار نیست بلکه گنبدی و پوشیدگی اقتصادی سیاسی سرمایه داری موجد این وضعیت است. این قهقرا در غرب بصورت علم کردن پاپ و واتیکان و دامن زدن به نسبیت فرهنگی و جا باز کرن برای اسلامیون خودش را نشان میدهد. میگویند با داعش نجنگید این اسلامو فوبیا است! در اروپا نیروهائی هستند که به خودشان چپ میگویند ولی داعش را قبول دارند و جنگ با داعش را درست میدانند. حتی اعتراض خیابانی علیه داعش را درست نمیدانند. شنیده ام میگویند صبر کنید اینها کاربردست بشوند ببینیم چه میکنند. دارند جلوی دوربین زن و مرد و کوچک و بزرگ را سر میبرند و نیروهائی صبر را توصیه میکنند! من در مصاحبه ای گفتم این ربطی به چپ ندارد، این حتی شاخه راست جنبش کمونیستی نیست، بلکه شاخه چپ پست مدرنیسم است. شاخه چپ پست مدرنیسم است که می افتد راست لیبرالیسم کلاسیک!

کمونیسم امروز و مضمون ضد کاپیتالیستی اعتراضات اجتماعی

می افتد راست لیبرالیسم قرن هجده و نوزده و حتی قرن بیستم، نیروئی امثال اس دلیو پی که بخودش میگوید چپ و اعتراض به داعش را اسلاموفوبیا مینامد از لیبرالیسم کلاسیک راست تر است، اینها همه در يك كمپ قرار دارند. اگر به نود و نه درصدیها و يك درصدیها دنیا را تقسیم کنید، همه این نیروها و نظرات، داعش و اسلام سیاسی و طرفداران عریان و خجولشان، همه در كمپ يك درصدیها قرار میگیرند. و این کاملاً منطبق است با سردرگمی و بن افقی اقتصادی- سیاسی- ایدئولوژیک بورژوازی جهانی، مثل حیوان وحشی که وقتی کنج دیوار گیر می افتد به همه چیز چنگ میزند بورژوازی دارد به همه چیز چنگ میزند. دارد زنان را کنیز میکند. دارد عابرین پیاده روها را به مسلسل می بندد. البته بقرول منصور حکمت باید جنایت هر جنبش را به پای خودش نوشت. این جنایت را ما بپای جنبش اسلام سیاسی می نویسیم. ولی سؤال اینست که چرا امروز این نیروها افسار پاره کرده اند و رو آمده اند؟ مگر اختلافات فرقه ای امر تازه ای هست؟ یا مگر اختلاف شیعه و سنی امروز شروع شده؟ مگر در دوره صفوی ایران شیعه با عثمانی سنی جنگ نداشت؟ مگر آن تاریخ بسته نشد، تمام نشد؟ مگر جنگ جهانی اول پرونده عثمانی را نبست و جوامع سیویل در خاورمیانه شکل نگرفتند؟ نیروهای اسلامی و فرقه های مختلف همیشه بوده اند، چرا امروز این نیروها اینقدر سیاسی شدند و فعال شدند و جلو آمده اند؟ جواب دیگر در خود اسلام نیست. جواب در جنگ سنتی بین شیعه و سنی نیست، نمیتوانید در تاریخ صفوی علیه امپراتوری عثمانی بدنبال ریشه های وضعیت امروز خاورمیانه

بگردید، که این کار را میکنند. من دیده ام که آکادمیسینها بدنبال این هستند که وهابی و سلفی از چه زمانی با شیعه اختلاف داشته است؟ از هر زمانی که بوده، آن پرونده مدتهاست که بسته شده و این جریانها داشتند در حاشیه زندگیشان را میکردند. این قهقرا، این عقبگرد از اسلام سیاسی نتیجه نمیشود بلکه از بورژوازی جهانی نشأت میگیرد که این نقش را به اسلام سیاسی داده است. و اسلام سیاسی میتواند این نقش را ایفا کند چون باندازه کافی آیه و سوره دارد و دارای احکام و نظراتی هست برای توحشی که بورژوازی در این دوره لازم دارد.

پاردوکسی در کار نیست. دنیائی که می بینیم از داعش تا آمریکا و اروپای واحد تا قضیه اوکراین تا نقش جدید روسیه تا فازهای مختلف نیروهای اسلامی تا جنگ داخلی در اسلام سیاسی تمام اینها وقتی قابل توضیح میشود، وقتی روشن میشود که آنها را بگذارید در جبهه دشمنان مردم، و وقتی اینطور به مساله نگاه کنید نه تنها تناقضی در کار نیست بلکه انتظاری جز این نمیشد داشت.

باید مستضعف پناهی را از اسلام سیاسی خط بزنید، حتی ضد آمریکائی گری را از اسلام سیاسی خط بزنید، خودش دیگر چنین ادعاهائی ندارد. داعش نه علیه آمریکا حرفی زده است نه علیه اسرائیل، بلکه برعکس صریحا و آشکارا گفته دعوائی با اسرائیل ندارم. گفته است من با کفار و مرتدین میجنگم یعنی با مسلمانانی که اسلام را ترك گفته میجنگم نه با یهودیها، این را صریحا رهبرشان اعلام کرده. این یعنی چی؟ یعنی ما با يك اسلامی سیاسی روبروئیم که مستضعف پناه نیست، ضد آمریکا حتی نیست، اسلام

سیاسی است که ادعا میکند قوانین صدر اسلام محمدی را میخواهد پیاده کند و همان کار را هم دارد میکند. به نظر خیلی ایدئولوژیک می آید ولی اساس مساله سیاسی است. همان قدر میتوانید جنایات داعش را بپای ایدئولوژیش بنویسید که جنایات جمهوری اسلامی را. ظاهراً داعش خیلی ایدئولوژیک است و پوشك بچه را در مناطق تحت نفوذش ممنوع میکند ولی در اینترنت گوی سبقت را از همه کاربران مدرن برده است. این کجایش ایدئولوژیک است؟! میداند دارد چکار میکند.

در هر حال نکته اصلی اینست که این اسلام سیاسی فرق دارد با دوره های قبلی این جنبش و منطبق است با شرایط امروز بورژوازی. شرایط امروز بورژوازی در منطقه خاورمیانه، این منطقه قرار بود يك لائبراتواری باشد، آزمایشگاهی باشد برای پیروزی هژمونی آمریکا در دنیای بعد از جنگ سرد. آن سیاست شکست خورد و خلائی بوجود آمد و حالا خاورمیانه لائبراتواری شده برای جنگ داخلی اسلام سیاسی. نه بخاطر اینکه از نظر ایدئولوژیک شیعه و سنی تاریخا دعوا داشتند. یا امروز دعوا دارند، بلکه بخاطر صفندی بین ترکیه، عربستان سعودی و متحدینش - داعش و النهضة و غیره - و از آن طرف جمهوری اسلامی و متحدینش - دولت عراق و بخشی از ناسیونالیسم کرد و رژیم اسد و حزب الله - بر سر سردمداری در منطقه. ما با این جنگ روبرو هستیم.

من بیشتر از این در این مورد صحبت نمیکنم چون همانطور که گفتم در مبحث قطعنامه ها فرصت برای توضیحات بیشتر هست.

اجازه بدهید بخش آخر صحبتیم را به وضعیت ایران

اختصاص بدهم. در این شرایط وقتی وضعیت ایران را بررسی میکنید متوجه میشوید که ایران - همانطور که در چند دهه اخیر اینطور بوده است- يك نمونه و يك مظهر خیلی روشن و آشکار كل این تناقضاتی است که توضیح دادم. شما هیچ جا مثل ایران نمیتوانید درماندگی بورژوازی را در حکومت کردن ببینید. ما همیشه گفته ایم که بحران بورژوازی در ایران يك بحران حکومتی است و وقتی میگویم بورژوازی منظور فقط بورژوازی بومی نیست بلکه كل بورژوازی، بورژوازی جهانی در رابطه با ایران به يك بحران مزمن حکومتی دچار شده است. بورژوازی جهانی که میخواهد ایران را از دست ندهد از انقلاب ۵۷ تا امروز دچار بحران حکومتی است. دعوایها و تناقضات و کشمکشهایی که بین آمریکا و جمهوری اسلامی وجود دارد يك بروزی است از درماندگی بورژوازی که نمیتواند يك حکومتی در آنجا داشته باشد که مثل مراکش و یا مثل اردن - بقیه هم امروز بحرانی شده اند چند مثال بیشتر نمیشود زد!- از يك نوع ثباتی برخوردار باشد و حالا حالاها بر سر کار باشد. این را خودشان هم نمیتوانند ادعا کنند. نزدیک سه دهه است چنین است. به این معنی حکومتی از انقلاب ۵۷ زاده شد که مادرزاد بحران داشت و بحران حکومتی بورژوازی را نمایندگی میکرد.

از طرف دیگر ما شاهد يك جامعه پرتلاطم و معترض هستیم. همین امروز علیه داعش تنها جامعه ای که بلند شده و در مقیاس چند هزار نفره به خیابان آمده جامعه ایران است. در خود عراق این اتفاق نیافتاد. در سوریه این اتفاق نیافتاد. در ایران ابتدا این حرکت از شهرهای کردستان شروع شد و بعد به تهران و شهرهای دیگر کشیده شد. هنوز هم ادامه دارد. مردم وقتی در اعتراض به داعش به خیابان می آیند میدانند دارند چکار میکنند. این درعین حال مقابله با جمهوری اسلامی است.

ببینید يك نتیجه بروز داعش يك ضربه مهلك ایدئولوژیک به جمهوری اسلامی بود. درست است داعش يك حرکت ایدئولوژیک نیست ولی قرآن را باز کرده و میگوید طبق سنت صدر اسلام زنهای دشمن که دستگیر میشوند کنیزند و باید مثل کالای جنسی فروختشان. این سنت محمد است. جمهوری اسلامی باید جوابش را بدهد. دیگر اوسنی است، من شیعه هستم و غیره جواب نیست. میخواهم بگویم جمهوری اسلامی يك ضربه ایدئولوژیک خورد. من قبلاً هم گفته ام که جمهوری اسلامی يك بازنده اصلی وضعیت امروز خاورمیانه است. از نظر منطقه ای، از نظر داخلی، از نظر رابطه اش با غرب، بازنده اصلی است و این فقط در رابطه با بالائیها نیست. اشتباه است اگر فقط كمپ بالا را ببینیم. بخصوص در ایران. در ایران مدتهاست سیاست بدون فاکتور مردم قابل توضیح نیست. بدون فاکتور مردم معلوم نیست چرا روحانی روی کار آمده است. معلوم نیست جنبش دو خرداد در برابر چه علم شده و ریشه و علت وجودیش چیست. بدون فاکتور مردم معلوم نیست چرا آخوندها هر دو روز یکبار بجان هم می افتند. از مساله آنتنهای ماهواره ای بگیری تا قضیه حجاب، تا جداسازی جنسیتی در شهرداری، تا آب بازی و تا ویدئوی هپی تا فیلترینگ اینترنت. بر سر همه اینها از مجلسشان تا کابینه شان و تا رهبرشان با همدیگر دعوا دارند و بدون فاکتور مردم این دعوا را نمیتوانید توضیح بدهید. در اردن شاید بتوان تاریخ سیاسی دو دهه اخیر را بدون فاکتور مردم نوشت. تاریخ سیاسی دوره شاه لااقل بعد از دهه سی تا انقلاب ۵۷ را نمیتوانید بدون اینکه نقش زیادی به مردم بدهید بنویسید، ولی تاریخ جمهوری اسلامی را نمیشود. هیچ چیزش را نمیشود توضیح داد. فاکتور مردم در جمهوری اسلامی همیشه تعیین

کمونیسم امروز و مضمون ضد کاپیتالیستی اعتراضات اجتماعی

کننده بوده است. و امروز در این شرایط نقش مردم بسیار برجسته تر شده.

ببینید، آن توهم روحانی می آید و با غرب رابطه مان خوب میشود و در نتیجه تحریمها منتفی میشود و اقتصادمان میگردد و همه چیز درست میشود، آن توهم تمام شد و امروز شاهد سر بلند کردن جنبشهای اجتماعی هستیم. این یک پدیده تازه ای است به نظر من. این را هم امیدوارم فرصت کنیم در یک قطعنامه دیگری مفصل تر صحبت کنیم. جنبشهای اجتماعی ای فعالند که از نظر ابتکار، از نظر سوژه و موضوع اعتراض، از نظر نحوه ای که با اینترنت کار میکنند، از نظر بسیج مردم از نظر تاکتیکی که اتخاذ میکنند، به نظر من باید از آنها بیاموزیم. مردم منطقه باید از آنها یاد بگیرند. در ایران یک چنین وضعیتی است. یک تلاطم است که حتی نمیشود گفت آتش زیر خاکستر. خاکستر زیادی هم رویش نیست. هر کسی این آتش را میتواند ببیند. و این وضعیت میتواند الگوی منطقه باشد. وقتی که داعش سر بلند کرد حزب ما در اولین اطلاعیه اش بر بسیج مردم تاکید کرد و گفت توده مردم میتوانند جواب این وضعیت را بدهند و اگر هم جنگ مسلحانه است مردم مسلح باید بمیدان بیایند. ما گفتیم جنبشهای اجتماعی میتوانند جواب داعش را بدهند. آن زمان حتی مائی که این اطلاعیه را مینوشتیم تصور میکردیم این بیشتر یک اظهار موضع و یک رهنمود عمومی است که باید امیدوار باشیم اینطور بشود. دو ماه نگذشت که اینطور شد در مقیاسی که حتی فکرش را نمیکردیم. ما تصور میکردیم ممکن است شهرهای کردستان علیه داعش بمیدان

بیایند که در همان هفته اول شروع کردند ولی فکر نمیکردیم در تهران دو هزار نفر علیه داعش به خیابان بیایند. و نه تنها این بلکه قضیه کوبانی به یک سبیل مقاومت تبدیل بشود. ما از ابتدا رهنمودمان به مردم این بود که چرا میزنید به کوه. باید ایستاد و جنگید و کوبانی این کار را کرد. حالا چه معادلاتی از بالا باعث شد که ناسیونالیسم کرد هم وارد شود این به کمپ بالائی ها مربوط میشود ولی اتفاقی که در پائین افتاد امری بود که ما فکر میکردیم تنها جواب اسلام سیاسی، و نه فقط داعش، اینست.

ایران یک مدل است. ایران یک تجربه است. ایران یک الگو است، برای کسی که میخواهد بداند چطور باید با اسلام سیاسی جنگید. الان برای انقلاب در کشورهای اسلامزده باید از مردم ایران متخصص بیاورند. مردم ایران میدانند چطور باید با آخوندها در افتاد. میدانند چطور باید تعادل قوا را در نظر بگیرید و در عین حال جنبش براه بیاندازید که بزند زیر حجاب و موزیک را به خیابانها ببرد. یا مثلاً جنبش ازدواج سفید. جنبش حق طلاق. جنبش کودکان کار و خیابان. حتی جنبش آب بازی، جنبش آزادیهای یواشکی و جنبش موزیک، جنبش رپ، جنبش آهنگ هپی، و غیره و غیره. این جامعه دارد علیه اسلام سیاسی میجوشد. امروز صبح یکی از رفقا میگفت در روزنامه ای در پرتغال این خبر را درج کرده اند که سازندگان ویدئوی هپی را در ایران دستگیر کرده اند و بعد راجع به این مساله بحث کرده اند. به زبان پرتغالی. این وضعیت جامعه ایران است. جامعه ایران در آن منطقه به اعتبار بیست سی سال سابقه مبارزه اش دارد دنیای مدرن امروزی را نمایندگی

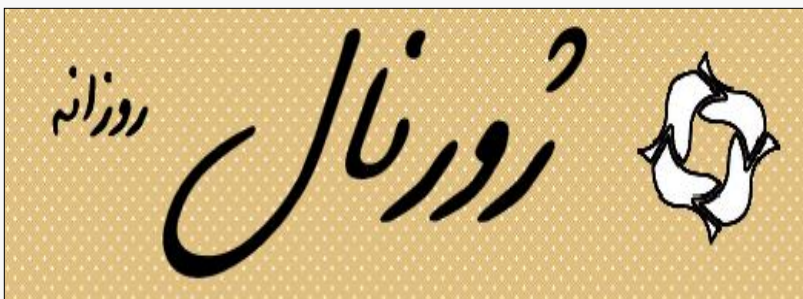
میکند. دنیای انسانیت را نمایندگی میکند در مقابل کل نیروهای ارتجاعی و نه فقط داعش یعنی فقط بدترین شکلش. و کوبانی هم دارد همین را میگوید. با این منطق میشود. به نظر من جامعه ایران امید آن منطقه است و اگر جایی بتواند جنبش توده ای وسیع جوابی بدهد به اسلام سیاسی و از تاریخ جارویش کند به نظر من جامعه ایران است. لاقلاً از جامعه ایران این حرکت شروع میشود. منظور من فقط انقلاب پیروزمند در ایران نیست. هر تکانی در جامعه ایران ضربه ای به اسلام سیاسی است. ببینید انقلابات بهار عرب که شروع شد خودشان گفتند که یکی از عوامل موثر در شکل گیری این انقلابات تجربه ۸۸ ایران بود. و باز میتواند جامعه ایران این نقش را ایفا کند و این البته دیگر کاملاً دست حزب ما را میبوسد. اینجا دیگر نقش حزبی مثل حزب کمونیست کارگری برجسته میشود. در مصر و یا لیبی و یا عراق کار چندانی نمیتوانیم بکنیم ولی در ایران، خودمان فی الحال وسیعاً درگیر هستیم. بعضی از رفقا میپرسند چطور میشود درگیر شد. این

سؤال کمی دیر مطرح میشود. ما درگیر هستیم سؤال اینست که چطور میتوان پیروز شد. آیا حزبی درگیر تر از ما در تاریخ کسی سراغ دارد؟

اینها بحثهایی است که در این کنگره به آن میپردازیم. اجازه بدهید برگردم به نکته اول و باز تاکید کنم که این کنگره نقش و اهمیتش تنها در رابطه با حزب ما نیست، فقط در رابطه با جامعه ایران نیست، حتی فقط در رابطه با منطقه نیست. ما در این کنگره بحث کمونیسم امروز و جامعه امروز را مطرح میکنیم. مساله همچنان رابطه حزب و جامعه است. منتهی حزب دهه دوم قرن بیست و یک، و جامعه دهه دوم قرن بیست و یک. چه مکانیسمی، چه شرایطی باعث میشود که آن پارادوکس که گفتم حتی در همان شکل ظاهری دیگر وجود نداشته باشد؟ و این محتوی و مضمون عمیقاً ضد کاپیتالیستی حرکتیهای اعتراضی مردم در سطح سیاسی و در سطح چالش قدرت سیاسی نمایندگی بشود بوسیله حزب کمونیست کارگری؟ آن حلقه چیست و چه باید کرد؟ به نظر من این کنگره باید به این مساله جواب بدهد. منظور من این نیست که در دو روز کنگره میتوانیم کل مساله را حل و فصل کنیم ولی کنگره باید این استارت را بزند و حزب را روی این ریل بگذارد که پروبلماتیک چپ امروز را حل کند. وقتی

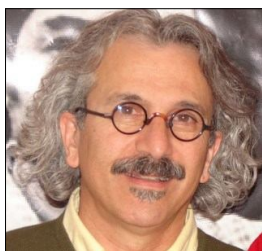
میگوئیم چپ انواع نیروها به ذهنتان می آید. چپ اجتماعی، چپ سنتی، چپی که به خودش میگوید کمونیست و کمونیست نیست و کسی که بخودش میگوید دموکرات و کمونیست است. کسیکه به خودش میگوید حقوق بشری و کمونیست است و کسی که به خودش میگوید کمونیست ولی سمت راست لیبرالیسم کلاسیک قرار میگیرد. جامعه به اینها میگوید چپ، چون خودشان بخودشان چپ میگویند ولی حزب ما چه میگوید؟ کمونیسم کارگری در این میان کجاست؟ چطور کمونیسم امروز میتواند اعتراض نود و نه درصدیها علیه یک در صد حاکم را نمایندگی کند؟

اگر کسی بتواند این مساله را جواب دهد حزب ما است، حزب کمونیست کارگری است. این کنگره باید شروع این حرکت باشد برای باز کردن این حلقه و حل این عدم تطابق بین موقعیت حاشیه ای چپ علی العموم در دنیا و مضمون شدیداً ضد کاپیتالیستی دنیای امروز. این موضوع را باید جواب داد و امیدوارم این کنگره بتواند اولین قدم و مهمترین قدم را در این راه بجلو بردارد. خیلی متشکرم*



ژورنال روزانه را بخوانید!
ژورنال همه روزه بجز جمعه ها
منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com
ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com



کمونیسم معاصر و تبلیغات امروزی بورژوازی علیه آن (۱)

گفتگوی محمود احمدی با علی جوادی

از مجموعه گفتگوهای "برای یک دنیای بهتر"

محمود / حمادی: در دوران سقوط بلوک شرق ما شاهد تهاجم همه جانبه ای علیه کمونیسم بودیم. حکومت شوروی را حکومتی کمونیستی معرفی و سقوط آن را مترادف با سقوط کمونیسم قلمداد کردند. چه ارزیابی ای از جدال آن دوران دارید؟ ماحصل آن جدال چه بود؟

علی جوادی: آن دوران به پایان رسید. آن تعرض به گل نشست. گرد و خاک ها خوابید. معلوم شد که آن تبلیغات تعرضی به مارکسیسم و سوسیالیسم در پس پیروزی سرمایه داری رقابتی بلوک غرب بر بلوک شرق بود که اساسا ربطی به سوسیالیسم و مارکسیسم نداشت. آنچه در شوروی حاکم بود نوع دیگری از سرمایه داری بود، سرمایه دولتی اما با سوء استفاده از قدرت و مطلوبیت جهانی مارکسیسم و سوسیالیسم و انقلاب اکتر، رقابت خود را با بلوک رقیب در قالب رقابت سوسیالیسم و سرمایه داری تعریف کردند. اما واقعیت بر بخش اعظم کسانی که خود را با هر تعبیری مارکسیسم میدانستند، روشن بود. حتی خود شوروی شناسان آکادمیای غرب بر این واقعیت تاکید داشتند. ما و بخش اعظم نیروهایی که خود را با هر تعبیری کمونیست میدانستند، منتقد جدی سوسیالیسم بورژوایی حاکم بر شوروی بودیم. اما دستگاه تبلیغاتی غرب هدف پایه ای تری را در پس این تهاجم تبلیغاتی دنبال میکرد. گفتند که پایان بلوک شرق مترادف با پایان تاریخ است. پایان مبارزه طبقاتی است. پایان جدال و تلاش کارگر و انسان آزادیخواه بر سر تغییر مناسبات

اقتصادی سیاسی استثمارگراییانه حاکم است. پایان ایده آلهای عظیم انسانی برای دگرگونی جوامع سرمایه داری کنونی است. اما معلوم شد که مزخرف میگفتند. نه تنها پوچی آن تبلیغات روشن شد، بلکه معلوم شد که جهان بدون ایده آل سوسیالیسم و تلاش کارگر و کمونیسم به قول منصور حکمت به یک منجلاب عظیم تبدیل خواهد شد. روشن شد که هر درجه رفاه و خوشبختی و ترقی خواهی به تلاش کارگر و سوسیالیسم گره خورده است. در پس آن تعرض کوشیدند تا بربریت سرمایه را بر بشریت تحمیل کنند، اما با مقاومت توده های عظیم زحمتکش جامعه مواجه شدند. با جنبشهای اعتراضی ای مواجه شدند که پرچم "حق با مارکس بود" بر آن نقش بسته بود. با جنبش آنتی کاپیتالیستی علیه یک درصد استثمارگر حاکم بر جامعه مواجه شدند. با اعتراضات گسترده جهانی "جنبش اشغال" مواجه شدند. با اعتراضات کارگری در قلب سرمایه داری جهان مواجه شدند. آن دوره مدهاست که پایان یافته است. اکنون کمتر کسی گوش شنوایی برای این تبلیغات کر کننده و خسته کننده و تکراری دستگاههای تحمیل افکار عمومی بورژوازی در جامعه دارد. خودشان هم میدانند که دیگر نمیتوانند به همان صورت یک تازی کنند. متفکرین و فهیم ترهایشان صحبت از "اعتدال" میکنند. میدانند که یک تازی گذشته با واکنش گسترده ای مواجه خواهد شد که عواقب آن برای بورژوازی حاکم قابل پیش بینی و یا قابل کنترل نخواهد بود. نگران تداوم حاکمیت سرمایه بر جهان اند.

ما در آن دوران در زمره تنها نیروهای راسخی بودیم که با استواری و تاکید بر حقانیت نقد مارکسیستی و عمیق جامعه سرمایه داری معاصر در مقابل این موج جهانی ایستادیم. در مقایسه با قدرت موجی که به حرکت در آمده بود، نیروی کوچکی بودیم، اما توانستیم با روشن بینی و نقد عمیق مارکسیستی و کارگری جهان سرمایه داری معاصر، از ضرورت و مطلوبیت و امکان پذیری یک جامعه سوسیالیستی آزاد و انسانی در جهان معاصر قاطعانه دفاع کنیم. اکنون از موضع قدرتمند تری به سراغ تحولات سیاسی میرویم. آبدیده تریم. تعرضی که به آرمانها و ایده آلهای نقد مارکسیستی ما از نظام سرمایه داری معاصر کردند، ما را در هم نشکست، بلکه آبدیده تر کرد. این ماحصل آن جدال تاریخی است.

محمود / حمادی: اما یک رکن تبلیغات آنتی کمونیستی اپوزیسیون راست و ناسیونالیست تکیه بر تاریخ تیره حکومتهای شوروی و چین و استفاده از آن علیه کمونیسم کارگری معاصر است. با این تبلیغات چگونه باید مقابله کرد؟

علی جوادی: ابتدائا باید به جایگاه این تعرض پرداخت. آنچه امروز نیروهای ضد کمونیست و بورژوایی در تبلیغاتشان علیه کمونیسم کارگری و قدرت گیری آن مطرح میکنند گوشه ای از تکرار خسته کننده یک تعرض عظیم جهانی نیست. همان پشتوانه تبلیغاتی را در خود ندارد. همان قدرت را ندارد. گوشه ای از تبلیغات سیاسی بورژوازی ضد کمونیست بومی

است که در مقابل کمونیسم کارگری زنده و پویا و پر تحرک امروز کم آورده است. نتیجتا دست به انبان تبلیغاتی بزرگان خود برده اند و میکوشند از آن نمذ برای خود کلاه ای در جدالهای کنونی و آتی جامعه در ایران بسازند. این تفاوتی تعیین کننده و عظیم است. تبلیغات کنونی علیه کمونیسم ناشی از ضعف و بعضا درماندگی مقابله با کمونیسم رو به رشدی است که جنبش کمونیسم کارگری نماینده روشن و صالح آن است.

اما تا آنجائیکه به قرار دادن تاریخ تجربیات تیره حکومت سابق شوروی و چین و کره شمالی به پای تاریخ ما برمیگردد در یک کلام باید گفت که عوامفریبی میکنند. دروغ میگویند. خودشان بهتر میدانند اما چه میتوانند بکنند؟ باید بر علیه کمونیسم کارگری معاصر بجنگند. کمونیسمی که شاداب و سرزنده است. به جامعه نگاه کنید، کمتر اعتراض و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را می بینید که رد پای قوی این جنبش را در آن مشاهده نکنید. از جنبش علیه اعدام و دستگاه آدمکشی رژیم اسلامی گرفته تا تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی، تا جنبش عظیم آزادی و برابری زن و مرد، تا جنبش کارگری برای بهبود معیشت و زندگی و خلاصی از اسارتی که اسلام و سرمایه بر زندگی توده های مردم حاکم کرده اند، از مبارزه برای خلاصی از صنعت مافیایی مذهب گرفته تا سکولاریزه کردن حکومت و ارکانهای آن، همه جا مهر و نشان کمونیسم کارگری را مشاهده میکنید. نتیجتا ناچارند تعرض کنند، ناچارند خاک بر چشم جامعه بپاشند. ناچارند دروغ

بگویند. ما بارها گفته ایم که این حکومتها کوچکترین شباهت و قرابتی با سوسیالیسم ما، سوسیالیسم کارگری و انسانی نداشته و ندارند. حکومت شوروی که بیش از دو دهه است درهم شکسته شده است و وجود خارجی ندارند. اما برخی از مبلغین بومی ضد کمونیستی آنچنان صحبت میکنند که گویا این حکومت همچنان پابرجاست و سایه اش بر سرشان سنگینی میکند. در آن زمان ما منتقد پیگیر این سوسیالیسم بورژوایی و غیر کارگری بودیم. اعلام کردیم که این حکومتها با هیچ شاخصی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ربطی به کمونیسم کارگری و مارکسی ندارند. در شوروی مناسبات کار مزدی حاکم بود. پول و مبادله پولی مبنای دستیابی به نیازهای فرد در جامعه بود. سرمایه حاکم بود، اما از نوع دولتی آن. مقدرات جامعه را سرمایه و برنامه ریزی دولتی در کنترل داشتند. آزادیهای فردی مانند بسیاری از کشورهای دیکتاتوری که متحد دیرپای آمریکا و متحدین اش هستند، محدود بود، جامعه بسته بود. در این جوامع هم کارگر استثمار میشد، بخش محروم جامعه بود، یک بوروکراسی عظیم دولتی بر سرنوشت جامعه حاکم بود. در این جوامع نیز مانند سایر جوامع سرمایه داری انسان آزاد و برابر و مرفه نبود.

اما معلوم نیست چرا به نقد حکومت چین می پردازند؟ چین امروز کعبه این جریان است. به حرکت سرمایه هایشان نگاه کنید، تمام امیدشان این است که

کمونیسم معاصر و تبلیغات امروزی بورژوازی علیه آن (۱)

چنین شرایطی را در هر گوشه و کناری ایجاد کنند. شب و روز تلاش میکنند تا در استثمار کارگر ارزان چین سهیم شوند و سرمایه انباشت کنند.

این جریان‌ات تلاش میکنند تاریخ تیره این جوامع را به پای ما بنویسند، ما در مقابل حقیقت را می‌گوئیم. تاریخ واقعی این حکومت‌ها و جوامع و همچنین نقد عمیق مان را به کلیت نظام سرمایه داری اعم از الگوی چینی یا غربی و یا نوع دولتی و رقابتی آن مطرح می‌کنیم. مساله از نقطه نظر ما بر سر کلیت سرمایه داری است. ما خواهان خلاصی بشریت از اسارت سرمایه هستیم، ما برای نابودی نابرابری سیاسی و اجتماعی در جامعه تلاش می‌کنیم. ما خواهان حاکم شدن انسان بر مقدرات خود هستیم. از نظر ما اساس سوسیالیسم انسان است. رفاه انسان، آزادی انسان، برابری انسان، و رشد خلاقیت و تعالی انسان. این سیما و مختصات سوسیالیسم ماست. این سوسیالیسم جایگاه عمیق و تعیین کننده‌ای در تلاش بشریت برای پیشرفت و تعالی دارد.

محمود / حمدی: اما این جریانات مدعی اند علیرغم نقدی که شما به حکومت شوروی و چین دارید، آن تاریخ را در زمان قدرت گیری تکرار خواهید کرد؟ پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: این دیگر زیاده گوئی است. دارند به هر دری میزنند تا از تکرار و تاب نیفتند. ما آنها را در قدرت دیده ایم، تجربه کرده ایم، اینها خود ادامه دهندگان همان مناسباتی هستند که در شوروی و چین حاکم است. تغییرات و جدالهای قطبی و اردوگاهی شان جدالی بر سر سوسیالیسم یا سرمایه داری نبود. جدالی بر سر منطقه نفوذ و حوزه قدرت بود. این جریانات

علیرغم تفاوت‌های ظاهری شان با یکدیگر در اساس از یک مناسبات اقتصادی در مقابل آلترناتیو کمونیسم و کارگر و مردم زحمتکش دفاع میکنند. این اساس مساله است.

بینید این یک تعرض کم مایه سیاسی است. همانطور که گفتیم تلاشی است برای مقابله با محبوبیت و نفوذی که کمونیسم کارگری امروز از آن در جامعه ایران برخوردار است. به ما علیرغم نقد همه جانبه و همیشگی مان به تجربه شوروی می‌گویند که خواهان ادامه تکرار آن تجربه هستیم، اما در عوض از ما می‌خواهند که بپذیریم این جریانات که عمدتاً سلطنت طلب و مشروطه خواه هستند، خواهان ادامه سیستم تک حزبی رستائیزی آریامهری نیستند؟ ما را متهم میکنند که زمانیکه قدرت سیاسی را از دست طبقه حاکمه استثمارگر خارج کنیم همان تاریخ را تکرار خواهیم کرد، اما می‌خواهند که باور کنیم خود سیستم ساواک و قانون سیاه ضد کمونیستی و استبدادی رضا خان و رضا شاه را تکرار خواهند کرد. کدام حقیقت را می‌گویند؟ ما یا آنها؟ آنها بیکه حتی امروز قسم می‌خورند اگر شاهشان بیشتر میکشت، بیشتر قتل عام میکرد، همچنان در قدرت می ماندند. آنها بیکه برای به قدرت رسیدن امید و آرزوهایشان را به توپخانه و ماشین جنگی و کشتار آمریکا و ناتو گره زده اند؟ واقعیات روشن است، ما ممکن است علیرغم تلاشمان شکست بخوریم، اما شکست ما ماحصل شکست ما تکرار تاریخ سیاه استبداد سلطنتی و استبداد اسلامی خواهد بود. آنها که در راس سیستم ساواک و رستائیز بودند و به دنبال چکمه پوشی می‌گردند تا به رستائیزشان برسند، نمیتوانند مدعیان جدی آزادیخواهی و برابری طلبی و

انسانگرایی در مقابل کمونیستهای کارگری باشند.

محمود / حمدی: می‌گویند ممنوعیت مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع اجتماعی اقدامی ضد آزادی و اقدامی علیه منشور حقوق بشر است که حق مالکیت خصوصی سرمایه را برسمیت می‌شناسد. پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: جالب است. این تنها عرصه ای است که ما کمونیستهای کارگری این اتهام مشترک تمامی جریانات پروسرمایه و ضد کمونیست را با افتخار می‌پذیریم. آری ما خواهان لغو مالکیت خصوصی سرمایه بر ابزار تولید و توزیع اجتماعی هستیم. ما اذعان می‌کنیم که نمی‌خواهیم ملزومات تولید معاش و رفع نیازمندیهای زندگی و ملزومات بقاء جامعه در کنترل انحصاری اقلیت استثمارگر سرمایه دار در جامعه باشد. نیرویی که تنها انگیزه و هدفش از بکار اندازی این ابزار و آلات و نیروی کار تامین سود و انباشت سرمایه است. اگر سودی نباشد، تولیدی هم نخواهد بود. گویی نیازی هم نیست. ما نمی‌خواهیم سرنوشت اقتصادی جامعه در اسارت مکانیسم و میزان سود آوری سرمایه و دست نامریی و بی رحم بازار باشد. بر عکس ما این اقدام را، پایان بخشیدن به استثمار اکثریت کارکن جامعه را یک هدف اساسی و انسانی خود میدانیم. ما نمی‌خواهیم انسانها برای تامین معاش خود ناچار به فروش نیروی کار خود باشند. اگر کاری ندارند یعنی نیازی ندارند. اگر کاری ندارند گویی انسان نیستند و باید به حاشیه جامعه پرتاب شوند.

و قبل از اینکه به این اتهام اعتراف کنیم باید تاکید کنم که ما به قول مارکس همان "حق" را

می‌خواهیم از اقلیت استثمارگر سرمایه سلب کنیم که خود این اقلیت از اکثریت جامعه پیش از این تاریخا سلب کرده است. ببینید اساس سرمایه داری بر سلب مالکیت تولید کنندگان از ابزار تولید و محصول تولیدشان و کار مزدی استوار است. به عبارت دیگر ۹۹٫۹ درصد جامعه هم اکنون از کنترل انحصاری بر وسایل تولید و توزیع جامعه که خود نیروی محرکه و تولید کننده هستند، محرومند. ما تنها می‌خواهیم به این ویژگی خصلتی همه جانبه دهیم. ما نمی‌خواهیم که هیچ نیرویی به غیر از خود تولید کنندگان مستقیم نیازمندیهای جامعه بر سرنوشت و مقدرت اقتصادی خود حاکم باشند.

اما به میان کشیدن مقوله "آزادی" در این چهارچوب جالب و دیدنی است. آزادی در این معرکه به معنای اختیار و اراده آزاد انسانها نیست. بر عکس، هدفشان از این "آزادی"، محدود کردن اختیار و اراده آزاد جامعه بر سرنوشت اقتصادی خود است. منظورشان آزادی استثمار و نابودی زندگی اکثریت محروم و کارکن جامعه است. این آزادی بیان نیست که ما مدافع بی قید و شرط آن هستیم و این جماعت

در صف مقابل و دشمنان آن، نه، منظورشان آزادی در چپاول دسترنج و تلاش کارگر و مردم زحمتکش است. ما اجازه نمیدهیم این تعرض به زندگی و معیشت جامعه را در زورق "آزادی" بیچند و به خورد جامعه دهند.

و در آخر باید به منشور حقوق بشر و "آزادی" استثمار اشاره کنم. ببینید منشور حقوق بشر منشور آزادی انسان از قید استثمار و منشور رهایی و برابری انسان نیست. منشور بورژوازی برای قالب زدن و محدود کردن آزادی و رهایی است. منشوری برای تعیین چهارچوب سیاسی و حقوق شهروندی در تحت حاکمیت اقتصاد سرمایه داری است. در این منشور حق سرمایه برای استثمار مفروض گرفته شده است. ما کمونیستها منشور آزادی و رهایی انسان را به جامعه ارائه کرده ایم. مبنای کار ما نه منشور حقوق بشر بلکه برنامه "یک دنیای بهتر" است. برنامه ای که عمیق ترین و آزادیخواه ترین مطالبات و سیمای یک جامعه آزاد و انسانی را ترسیم کرده است.

ادامه دارد...*

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزیسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

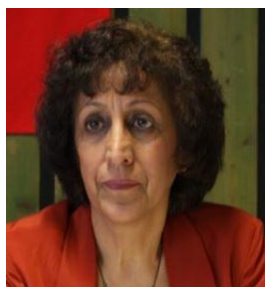
Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

کسری بودجه دولت و حمله به معیشت مردم

شهلا دانشفر



همین اساس ربیعی در برابر اعتراضات کارگران به دستمزدهای زیر خط فقر گستاخانه اعلام میدارد که اقتصاد ایران بیش از این توانایی افزایش دستمزد کارگران را ندارد و حتی افزایش دستمزدها برای سال ۹۴ را به میزان نرخ تورم منوط میسازد.

پاسخ تعرضات حکومت اسلامی تعرضی سراسری است

اقتصاد به گل نشسته حکومت اسلامی و اظهارات سردمداران آن اوج استیصالشان را به روشنی مقابل ما میگذارد. هر روز با طرحی جدید زندگی و معیشت ما را نشانه میروند تا بتوانند روزهای بیشتری در قدرت باشند و به غارت و چپاول و جنایت ادامه دهند. پاسخ ما کارگران و مردم به این حملات حکومت اسلامی، تعرضی سراسری حول خواستههای سراسری و فوری ما چون خواست افزایش دستمزدها، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی، بیمه بیکاری برای همه مردان و زنان آماده به کار و داشتن یک زندگی انسانی است. بحران اقتصادی حکومت ربطی به کارگران و مردم ندارد. دولت در قبال زندگی و معیشت مردم مسئول است. دزدی های میلیاردری تک تک سران این حکومت، پول های میلیاردری که صرف سیاستهای تروریستی خود در منطقه میکنند، اقلام کلان بودجه اختصاص داده شده به ماشین سرکوب و جنایتشان از جمله به نیروی انتظامی، انواع مختلف دستجات اوباش مسلح، زندانها، مساجد و دم و دستگاه قضایی حکومت همه نشان از وجود ثروت هنگفتی است که جوابگوی کامل رفاه مردم خواهد بود، اگر جانیان اسلامی شرشان را از سر مردم کم کنند.

با مبارزه ای سراسری میتوانیم حملات حکومت اسلامی به زندگی و معیشتمان را عقب زنیم. همانطور که در دور قبل کارگران توانستند طرح

فقر و فلاکت، آنها را به جان هم انداخته است.

در چنین مخمصه و کشاکشی است که هر روز طرح تازه ای برای بر تعرض بیشتر به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه در دستور کار مجلس اسلامی قرار میگیرد و به تصویب میرسد. از جمله می توان از این طرح ها نام برد: محروم کردن ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی از همان بیمه ناچیز تامین اجتماعی، پیش کشیدن طرح "اصلاح قانون کار" و بر اساس آن بازگذاشتن دست کارفرمایان در اخراج بیشتر کارگران و باب کردن مدل جدیدی از پرداخت دستمزد به کارگر بر اساس میل و خواست کارفرما، پیش کشیدن قانون خدمات کشوری و بر اساس آن بالابردن میزان سنوات خدمت برای بازنشستگی مردان و زنان از ۳۰ سال و ۲۵ سال به ۳۵ سال و ۳۰ سال، که نتیجه این طرح نیز محروم شدن مردان و زنان بسیاری از همان چندرغاز حق بازنشستگی تامین اجتماعی است. چرا که در حالیکه ۹۰ صد مشاغل بصورت قراردادهای موقت است و برای بسیاری از سالیان خدمات کارگران حق بیمه پرداخت نمیشود و برای بخش بسیاری از کارگران پر کردن این شرایط برای برخورداری از مستمری ایام بازنشستگی دشوار و ناممکن میشود. نتیجه همین وضعیت را در تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران میتوان دید. در این میان علی ربیعی وزیر کارگر روحانی با وقاحت تمام مبنای تعیین دستمزد نیروی کار در ایران را ظرفیت اقتصاد و بنگاه ها و مجموع شرایطی از این دست اعلام میکند، تا توجیهی بر همین دستمزدهای چند بار زیر خط فقر باشد. بر

بودجه دولت متناسب با منابع، تنظیم شود. درخواستش نیز اینست که سهم ۲۰ درصدی صندوق از از درآمدهای نفتی کاهش یابد و سهم بیشتری از درآمد نفت به دولت اختصاص یابد. اتکای طیب نیا و نوبخت برداشت از حساب ذخیره ارزی است که قبلا خودشان آنرا خالی کرده اند. و طبق همین گزارشات تبدیل دلارهای حساب ذخیره ارزی به ریال نتیجه اش افزایش بیشتر نرخ تورم و تشدید بن بست اقتصادی است که یقه جمهوری اسلامی را محکم گرفته است.

این داستان بحران عمیق اقتصادی حکومتی است که راه علاجی برای آن ندارد. معنای این گفته ها و آمارها نیز بر همه کس روشن است. چابک سازی دولت، چیزی جز زدن آخرین لقمه نان از سفره مردم و بیکار سازی های بیشتر نیست. این ارقام و آمارها نویدی جز فقر و فلاکت بیشتر برای مردم ندارد.

نکته جالب در این میان اظهارات روحانی و طیب نیا وزیر اقتصادش و نوبخت معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی دولت است. یک ماه پیش روحانی ضمن سخنرانی در مشهد، مدعی خارج شدن اقتصاد کشور از رکود میشود. سپس بانك مرکزی جمهوری اسلامی ایران با اعلام نرخ رشد مثبت ۶/۴ درصد، همه را بهت زده میکنند. بعد هم رئیس کمسیون برنامه و بودجهی مجلس در نطقی رسمی، تحقق این آمار را غیرممکن دانسته و بحث های بسیاری در واقعی نبودن این آمار بالا میگیرد. این بجز حقه بازی و شارلاتانیسم سردمداران جمهوری اسلامی نشان میدهد که نزاعشان بالا گرفته است و وحشت از مردم به جان آمده از

ارز را ناگزیر می سازد و دیگری کسری بودجه که بی احتیاطی در اتخاذ سیاست های ناظر بر حل و فصل آن، پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت."

بعد از تمام این بحث ها راهکار کارشناسان دنیای اقتصاد دولتی نیز "چابک سازی دولت و کاهش هزینه های جاری" به عنوان عاقلانه ترین راه برای متعادل کردن بودجه است. که البته در آینده نزدیک ممکن نیست. دیگری آزادسازی دلارهای بلوکه شده و لغو یا تخفیف تحریم ها است که نه تنها در این مورد که در حل و فصل مشکلات عدیده اقتصاد برایشان کارساز خواهد بود. و آخر سر آب پاکی روی دست همه ریخته و در صورت تداوم شرایط کنونی، بالا رفتن نرخ ارز را اجتناب ناپذیر میخوانند.

در ادامه همین مسئله و کاهش قیمت نفت در بازار علی طیب نیا وزیر اقتصاد روحانی میگوید: "انشاء الله که کسری بودجه نخواهیم داشت، معمولا وقتی نفت را می فروشیم درآمد آن را چند ماه بعد وصول می کنیم. بنابراین آثار کاهش قیمت نفت در آینده مشخص خواهد شد که امیدواریم مشکل زیادی ایجاد نکند". بعد هم در ادامه این امیدواری میگوید: "مسئله باید هم در هزینه ها صرفه جویی کنیم و هم سعی کنیم سایر درآمدها به صورت کامل محقق شود که یکی از این درآمدها، درآمد مالیاتی است."

نوبخت معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی روحانی نیز میگوید که با توجه به کاهش قیمت نفت، برای سال آینده باید خود را آماده کنیم تا در بودجه با کمبود مواجه نشویم. تاکیدش بر این آمادگی اینست که باید

یک موضوع بحث داغ امروز رسانه های جمهوری اسلامی کاهش قیمت نفت از سوی عربستان سعودی و کاهش هر بشکه آن به ۸۰ دلار در بازار بین المللی است. دلیل آن نیز به روشنی اینست که نفت منبع اصلی تامین درآمد حکومت است و بودجه سال جاری دولت روحانی بر مبنای قیمت نفت بشکه ای ۱۰۰ دلار بسته شده است. به گفته سخنگوی دولت این کاهش، بودجه سال جاری جمهوری اسلامی را با کسری مواجه خواهد کرد. و اگر روند کاهش قیمت نفت ادامه یابد، بودجه سال آینده نیز با کسری بسیار شدیدتری روبرو خواهد شد. از جمله بنا بر گزارشات منتشر شده از سوی رسانه های دولتی هر یک دلار کاهش در قیمت فروش نفت، درآمدهای نفتی رژیم را اندکی بیش از یک میلیون دلار در روز کاهش می دهد. و در نتیجه این کاهش اقتصاد جمهوری اسلامی با کاهش قابل توجه درآمدهای ارزی مواجه میشود. این درحالیست که بنا بر همین گزارشات خبری هم از صندوق ذخیره ارزی نیست و خزانه دولت خالی است و به گفته خودشان همان بودجه پیش بینی شده جاری نیز کمتر از هزینه های پیش بینی شده دولت بوده است.

در همین رابطه کارشناسان اقتصاد دولتی در دنیای اقتصاد مینویسند: "اقتصاد ما در حال حاضر با دو چالش جدید مواجه است (البته چالش های ریشه دارتر، نظیر رکود تورمی، مشکل بیکاری، وضعیت بحرانی تولید و... همچنان باقی است). یکی کاهش درآمدهای ارزی که از توان مداخله بانك مرکزی در بازار ارز می کاهد و افزایش نرخ

حمایت اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل، معدن و انرژی سیدنی از کارگران زندانی در ایران

زندانیان سیاسی در ایران است. ما دولت ایران را برای تعقیب کارگران محکوم می کنیم و از مبارزات کارگران و مردم ایران برای کسب آزادی، حق تشکل، برابری و رفاه اجتماعی و عدالت پشتیبانی می کنیم. جامعه بین المللی نیز باید دولت ایران را محکوم کند
ارادتمند شما
ریتا ملیا
رئیس واحد استان نیو سات ولس اتحادیه ساختمان
۲۳ اکتبر ۲۰۱۴

متن نامه اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل، معدن و انرژی سیدنی در حمایت از کارگران زندانی در ایران
ارسال عزیز من بسیار مسرورم که به اطلاع برسانم که هیئت اجرایی بخش عمومی و ساختمانی اتحادیه ساختمان جنگل معدن و انرژی به اتفاق آرا مصوبه زیر در همبستگی با فعالین کارگری، کارگران و زندانیان سیاسی را به تصویب رساند:
هیئت اجرایی ما همبستگی خود با کارگران ایران را اعلام می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری زندانی و

بدنبال تلاشهای ارسال ناظری عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کمیته همبستگی کارگری- ایران در استرالیا، اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل، معدن و انرژی طی قطعنامه ای همبستگی خود را با کارگران ایران اعلام کرده و خواهان آزادی فوری همه کارگران زندانی از زندان شدند. متن ترجمه شده این قطعنامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۴ نوامبر ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

I.C.A.E

International Committee Against Execution

دبیرخانه
کمیته بین المللی علیه اعدام

از صفحه ۷

کسری بودجه دولت و حمله به معیشت مردم

سخنرانی، نمایش فیلم دو برادر، و گفتگو با دو چهره سرشناس مبارزه علیه اعدام

سخنرانی مهوش غلاسوندی و مینا احدی در اسلو- نروژ

برای اولین بار اسلو میزبان دو چهره سرشناس مبارزه علیه اعدام دو مبارز جنگی ناباور علیه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و دو مدافع سرسخت انسانیت خواهد بود.



مهوش غلاسوندی مادر دو اعدامی محمد و عبدالله و بنیانگذار نهاد مادران علیه اعدام و مینا احدی شخصیت برجسته اپوزیسیون جمهوری اسلامی، بنیانگذار سازمان انکس مسلم الممان، بنیانگذار و سخنگوی کمیته های بین المللی علیه شکنجه و اعدام

برنامه شامل نمایش فیلم دو برادر، فیلمی بسیار موثر و نگاهدنده در مورد عبدالله و محمد قلچمی که به دست جلادان حکومت اسلامی اعدام شدند، سخنرانی مینا احدی و مهوش غلاسوندی در مورد جنبش علیه اعدام در ایران، گمراهی های بعدی تر گسترش دادن به جنبش علیه اعدام و پرسش و پاسخ و گفت و شنود با شرکت کنندگان خواهد بود

از همه علاقه مندان و مخالفین عمل شایع اعدام دعوت میشود در این کنفرانس مهم شرکت نمایند

(زمان: شنبه ۸ نوامبر ۲۰۱۴ ساعت ۱۷:۰۰ عصر)

مکان: Litteraturhuset- Oslo

Wergelandssveien 29

0167 Oslo

این کنفرانس از طرف جمعی از فعالین علیه اعدام و LIM- Likestilling, Integrering, mangfold برگزار میشود

زبان کنفرانس فارسی و نروژی خواهد بود

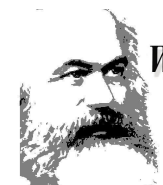
برای اطلاعات بیشتر با آنتا فرانسه تلفن ۰۶۳۳۶۷۷ و صبری امیرحسینی تلفن ۰۷۱۱۱۶۲۹ تماس بگیرید

کمیته بین المللی علیه اعدام

Contact to Mina Ahadi
0049 17 75 69 24 13
minaahadi26@gmail.com

Contact person Sweden
Hormoz Raha/004673789 65 05
icae.sweden@gmail.com

Web:
www.noahonemoreexecution.org
Contact:
icae.ei.r@gmail.com



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

اندر خصوصیات روانی عاملین و آمرین اسیدپاشی!

بیمارگونه تر از تیغ کشیدن بروی زنان و ضد اجتماعی تراز تحقیر و توهین هر روزه نیمی از جامعه اسلامی و در اظهارات مقامات ریز و درشت حکومتی؟ ضد اجتماعی ترین و ضد انسانی ترین عامل در ایران خود حکومت جمهوری اسلامی است. پی بردن به این حقیقت به هوشمندی چندانی نیاز ندارد!

اما در مورد ادعای "زرنگی و هوشمندی" باید گفت قضیه برعکس است. بلاهت و جنایت صفت برازنده تری برای اسیدپاشان است. هم برای عاملین اسیدپاشی و هم برای آمرین آن! شاهد همین ادعای "هوشمندانه" که اسیدپاشی ها کار یک نفر مریض روانی بوده است!*

اخیرا یکی از نمایندگان مجلس ادعا کرده است که "عامل اسیدپاشی ها یک نفر بوده که ممکن است مریض روانی با شخصیت ضد اجتماعی و یا فردی باشد که خواسته با هوشمندی و زرنگی مشکلی را برای جامعه ایجاد کند!"

این هم جزئی از تلاشهای مجذانه و در عین حال ابلهانه حکومتیها برای رفع و رجوع کردن جنایت اسیدپاشی است ولی عاملین اسیدپاشی ها هر تعدادی که باشند آمرین آن قطعاً بسیار بیشتر از یک نفر است. نمایندگان مجلس، امام جمعه ها، و کل مقامات ریز و درشت حکومتی را باید در لیست آمرین اسیدپاشی قرار داد. "مرض روانی و شخصیت ضد اجتماعی" هم بیشتر در مورد همین آمرین صدق میکند. چه چیزی

حرمت محرم، بی حرمتی زندگی!

زیست مردم است و آنچه همیشه با سرکوب و وبگیر و ببنده مواجه شده جشن و شادی مردم است. عامل اصلی تخریب محیط زیست در ایران حکومت مرگ و عزای اسلامی است، و "حرمت محرم" آن روی سکه بی حرمتی حکومت اسلامی اسیدپاشان نسبت به نفس زندگی و شادی و آزادی است.

مردم اصفهان حق دارند علیه سیاستهای مخرب و ضد محیط زیست داعشیان حاکم اعتراض کنند و حق دارند هر قدم پیشروی و پیروزی در این راه را جشن بگیرند. جشن و شادی مردم خود تعرض دیگری بر حکومت مرگ و عزای جمهوری اسلامی است. مراسمهای عزاداری حکومت را باید بر سرشان خراب کرد!*

"از شهروندان عزیز در خواست می‌گردد با توجه به مصادف شدن این موضوع مراسمهای عزاداری حکومت با وجود مسرت خاطر خود به لحاظ جاری شدن آب رودخانه زاینده رود حرمت این ایام شریف را حفظ نموده و شکرگذار درگاه/حدیث باشند."

استاندار اصفهان

بعد از ماهها اعتراض مردم ناگزیر شده اند سد را باز کرده و آب را در زاینده رود جاری کنند و حالا از جشن و شادی مردم به این مناسبت نگران هستند. از شادی مردم احساس خطر میکنند و این بار بهانه شان "حفظ حرمت محرم" است!

آنچه در جمهوری اسلامی حرمتی ندارد زندگی و محیط

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

زن ستیزی و صنعت اسلامی غارت و چپاول!

کوبیدن بر طبل سیاستهای ضد زن! بعد از فتوای برخورد قاطعانه با زنان بد حجاب از سر منبرها و لایحه کذائی امر به معروف و نهی از منکر نوبت به نامه جمعی از نمایندگان به رئیس جمهور "تدبیر و امید" رسیده است که در برخورد به مساله آواز خوانی زنان قاطعیت به خرج بدهد وگرنه خودشان اقدام خواهند کرد! این بار قرارست اسیدپاشان را به سرآغ زنان خواننده بفرستند!

ظاهراً این دو موضوع تحمیل بیحقوقی هر چه بیشتر به زنان و غارت ثروتهای جامعه ربطی به هم ندارد. یکی در حیطه سرکوب زنان زیر بیرق عفت و عصمت و حجاب است و دیگری در حیطه ملاخورکردن ثروتهای جامعه! ولی این دزدیها بدون آن تیغ کشیدن بروی زنان ممکن نیست! اسلام صنعت غارت و چپاول است و این غارت از دیر باز زیر لفافه کلیدداری از اخلاقیات و معنویات و احکام الهی - که برخورد به زن بعنوان کالای جنسی یک محور آنست - صورت می‌گرفته است. امروز هم به همان شیوه مرضیه هزار و چهار صد ساله فتواهای اخلاقی میدهند و جیبهای گشادشان را پر میکنند. فرق اینست که این بار یک جامعه هفتاد میلیونی و در حال انفجار در کمین شان نشسته است!*

"آقایان به ظاهر هیچ تخطی از قانون نمی‌کنند، ولی پشت پرده قطعاً رانتهایی است که این رانتهای از چشم افراد غیرکارشناس ناپیداست. فامیل، وابستگان یا دوستان رؤسا و مدیران ارشد، شرکتهایی را اندازه‌گیری کردند و در حقیقت سود معدن را خودشان می‌برند... سنگ آهن در بازار جهانی بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ دلار بالا و پایین می‌شود، در حالی که این مشتریان خوش حساب (!) سنگ آهن را به بهای کمتر از ۵۰ دلار قرارداد می‌بندند."

سایت تابناک

این گوشه ای از چپاول آیت الله های میلیاردی و آقازاده ها و اعوان و انصارشان است که اخیراً بوسیله یکی از نمایندگان در مجلس مطرح شده. نیت این نماینده مجلس البته خیر است! می‌خواهد کار بیخ پیدا نکند و به رسوائی دیگری برای حکومت تبدیل نشود.

"تا این موضوع تبدیل به ماجرای مانند مجاری اختلاس سه هزار میلیاردی نشده است، به موضوع رسیدگی شود و اگر مواردی از تخلف و رانت در آن وجود داشت، در مراجع ذیصلاح رسیدگی شود."

اما "مراجع ذیصلاح" مشغول امر مهم تری هستند: رفع و رجوع مساله اسیدپاشی و همچنان



عکس هایی از روز تولد ریحانه در سراسر جهان



انترناسیونال
 نشریه حزب کمونیست کارگری
 سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی
 مسئول فنی: نازیلا صادقی
 ای میل: anternasional@yahoo.com
 انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

